

زبان مخفی آرآنجی یا قرقه‌دیلی در مناطق تات‌نشین خلخال

جهاندوست سبزلپیور^{۱*}، راحله دلگرم^۲

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی

دریافت: ۱۳۹۵/۶/۳ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۳۰

Arrānaji or Qarqahdili Argot in Tāti-Speaking Regions of Khalkhāl

Jahandoost Sabzalipour^{*1}, Raheleh Delgarm¹

1. Associate Professor of Linguistics, Islamic Azad University

2. MA Student of English Translation, Islamic Azad University

Received: 2016/08/24 Accepted: 2016/12/21

Abstract

From the viewpoint of sociology of language, one of the important linguistic phenomena in any given society is the formation of argots and their structural description. An argot is the language or the dialect of a social group whose members like the content of their speech remains secret for other groups, or, generally, for the majority of the people in their society. From some decades ago up to now, in some villages of Khalkhāl in Ardabil Province, a language known as *Arrānaji* or *Qarqahdili* has been commonly used by male workers who went to northern regions of Iran to do carpentry. The main questions of this study are: a) What kind of language is *Qarqahdili*? b) Which purpose was it created for?, and c) What are its structural characteristics? The data of this field study were gathered through interviews with middle-aged men of two villages called Karnaq and Lerd. The results indicate that *Qarqahdili* is an argot which is used to cover occupational secrets. From phonetic, morphological, and syntactic viewpoints *Qarqahdili* is similar to the *Tāti* language of the same areas but lexically there are some differences. Save for *Tāti* words which have gained secret meanings, some words from Azerbaijani Turkish are also present in *Qarqahdili*. Data analysis indicates that a great number of taboos and sex expressions are used in the workers' speech apparently because they are all male and far away from their families.

Key Words: Sociology of Language, Argot, Tāti language, Arrānaji or Qarqahdili Language, Khalkhāl.

چکیده

از منظر جامعه‌شناسی زبان، یکی از پدیده‌های زبانی قابل توجه هر جامعه‌ای چگونگی شکل‌گیری زبان‌های مخفی و توصیف ساختار آنها است. زبان مخفی به زبان یا گویش هر گروه اجتماعی اطلاق می‌شود که اعضای آن تمایل به پنهان نگه داشتن محتوای کلام خود از گروه دیگر یا به طور کلی، از اکثریت جامعه نشان می‌دهند. از چند دهه قبل در برخی از روستاهای شهرستان خلخال، از توابع استان اردبیل، در میان مردانی که برای نجاری به شمال کشور می‌روند، زبانی معروف به قرقه‌دیلی یا آرآنجی رایج شده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که قرقه‌دیلی چگونه زبانی است، به چه قصدی ایجاد شده و ویژگی‌های ساختاری آن کدام است؟ داده‌های این پژوهش به روش میدانی از مردان میان‌سال دو روستای لرد و کَرَنَق از طریق مصاحبه به دست آمده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرقه‌دیلی یک زبان مخفی است که برای حفظ اسرار شغلی به کار می‌رود و از نظر آواشناسی، ساختار و نحو همانند زبان تاتی در همان مناطق است، اما از نظر واژگانی با آن متفاوت است. غیر از واژه‌های تاتی که در این زبان معنای مخفی به خود گرفته‌اند، واژه‌هایی از ترکی آذربایجانی نیز در آن یافت می‌شوند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد تعداد زیادی دشواژه (تابو) و الفاظ جنسی در این زبان وجود دارد که علت کثرت آنها تک‌جنسیتی بودن این کارگران و نیز دوری آنها از خانواده بوده است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، زبان مخفی، زبان تاتی، زبان آرآنجی / قرقه‌دیلی، خلخال.

*corresponding Author: Jahandoost Sabzalipour

Email: sabzalipor@gmail.com

* نویسنده مسئول: جهاندوست سبزلپیور

مقدمه

به‌رغم کاربرد زبان برای برقراری ارتباط، گاه زبان‌هایی برای ممانعت از ایجاد ارتباط خلق می‌شوند. برخی جوامع با یک زبان مشترک با هم در ارتباط‌اند، اما زبان دیگری می‌سازند تا اغیار از گفت‌وگوهایشان چیزی درنیابند و اسرارشان فاش نشود. البته در هر زبانی واژه‌های مخفی معدود پیدا می‌شود. در کنار زبان‌هایی که در طول تاریخ و به‌تدریج ساخته شده‌اند، زبان‌هایی هم در مقاطع زمانی خاص و به دست افراد خاص ساخته شده‌اند. زبان‌های ساختگی برخلاف زبان‌های طبیعی، کامل نیستند و برای نیات خاص ایجاد می‌شوند و با برآورده شدن آن نیت، شاید آن زبان نیز از بین برود. زبان‌های فراوانی در دنیا بوده‌اند که پس از مدتی کوتاه از بین رفته‌اند.

نیازهای جامعه باعث رشد یا فراموشی یک زبان می‌شوند. در صورت نبود نیاز اجتماعی، شاید تغییرات یک زبان هم چندان نباشد و اصلاً زبانی تازه ایجاد نشود و همان زبان قدیم به کار گرفته شود؛ به عبارت دیگر، زبان منتظر فرمان‌های جامعه و گویشوران است تا خودش را تنظیم و هماهنگ کند. با شناخت زبان یک قوم می‌توان به لحاظ جامعه‌شناسی، آن قوم را بررسی کرد و اگر قرار است به‌درستی جامعه و تحولاتش را بشناسیم، لازم است به‌درستی زبانش را بشناسیم.

هدف از این پژوهش شناخت و معرفی یکی از زبان‌های مخفی ایران است که آن را زبان میانجی یا پیچین^۱ نیز محسوب کرده‌اند. پیش از این، دربارهٔ قرقه‌دیلی یا ازانجی تحقیق نشده است. این زبان فقط در بافت کارگری مناطقی از کشور (کارگران نجار تاتی‌زبان شاغل در گیلان و مازندران) به کار گرفته می‌شد. امروزه این زبان در حال نابودی است و فقط در بین همان جامعهٔ کارگری رواج دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که زبان این کارگران چه ویژگی‌هایی دارد و به چه منظوری ایجاد شده است؟

نگارندگان این تحقیق همهٔ داده‌های زبانی آن را به طور میدانی و از طریق مصاحبه با کارگرانی از روستاهای لرد و کَرَنق جمع‌آوری کرده‌اند. لرد در منتهی‌الیه جنوبی بخش شاهرود در خلخال قرار دارد و کرنق در بخش خورش‌رستم خلخال است. این دو روستا در همسایگی یکدیگرند. گرچه جمعی از مردان روستاهای مجاور این دو روستا نیز با این زبان آشنا هستند، اما تمرکز اصلی بر داده‌های زبانی این دو روستا بوده است.

در بخشی از مقاله، پیشینهٔ چنین پژوهش‌هایی بیان شده و در بخشی دیگر، ساختار زبان مخفی قرقه‌دیلی به همراه جملات و واژه‌هایی از آن زبان معرفی شده است.

جغرافیای تحقیق

تاتی‌زبان‌های شهرستان خلخال در دو بخش خورش‌رستم و شاهرود ساکن‌اند. در خورش‌رستم، دو روستای کَجَل و کَرَنق و در شاهرود، روستاهای لرد، آسکستان، آسبو، درو، گُور، شال، دیز، کرین، کهل، گیلوان و طهارم‌دشت تاتی‌زبان‌اند (برای آشنایی با گونه‌های تاتی خلخال نک: سبزی‌پور، ۱۳۹۴: ۹-۱۲). در کرنق و لرد، زبانی به نام قرقه‌دیلی یا ازانجی معروف است. گویا قبلاً در روستاهای متعدد به این زبان صحبت می‌شده است، اما بعدها به‌علت از بین رفتن انگیزهٔ اصلی، خود زبان کم‌کم از بین رفته و فقط واژه‌هایی از آن در بین روستاییان به یادگار مانده است. بسیاری از مردم کرین نیز با تعدادی از واژه‌های این زبان آشنا هستند و معلوم نیست این‌ها یادگار پیران این روستا یا قرصی بوده‌اند. این زبان در بین جوانان و زنان رواج ندارد، گرچه زنان نیز به سبب ارتباط با مردان با واژه‌های متعدد این زبان آشنا شده‌اند. ممکن است جوانی یا زنی این زبان را یاد گرفته باشد و صحبت کند، اما این زبان بین آنها شایع نیست، زیرا منطقهٔ استفاده از آن خارج از خلخال و در استان‌های مازندران و گیلان بوده است.

امروزه چون کار اهرکشی متداول نیست، انگیزه‌های استفاده از این زبان نیز از بین رفته‌اند، اما به طور پراکنده، افرادی از این محل که در شهرهای دوردست (مثلاً، در یزد و بندرعباس) به کارهای ساختمانی مشغول‌اند سعی می‌کنند در حضور بیگانگان از این زبان استفاده کنند که هم مایهٔ تفریح باشد و هم دیگران از حرفشان آگاه نشوند. این افراد خود به استفادهٔ تفریحی از این زبان معترف‌اند.

کرنق (یا به گویش مردم منطقه کَرَن) آب و هوای کوهستانی دارد و طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران دارای ۲۱۶ نفر و طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۷۷ نفر جمعیت بوده است. امروزه، کرنق غالب جمعیت خود را از دست داده است؛ یکی از علل آن زلزله و رانش زمین در سال ۱۳۴۸ بود. علت دیگر دورافتادگی این روستا از مرکز بخش خورش‌رستم است. کرنق از دورافتاده‌ترین روستاهای این بخش است و بیشترین مراده را با مردم منتهی‌الیه بخش شاهرود دارد. این ارتباط به حدی است که عده‌ای از مردم خلخال این روستا را به‌اشتباه جزئی از بخش شاهرود می‌دانند. کرنقی‌های مهاجر امروز بیشتر در رشت زندگی می‌کنند.

روستای لرد (که فقط اهالی کرین آن را به صورت لُرد تلفظ می‌کنند) بزرگترین روستای شهرستان خلخال، جزء دهستان پلنگاه است و در ۲۷ کیلومتری کلور (مرکز بخش شاهرود) واقع شده است. طبق سرشماری ۱۳۹۵، لرد ۹۲۶ خانوار و نزدیک به ۳۵۲۳ نفر جمعیت دارد. با توجه به مهاجرت فصلی برخی از اهالی این روستا به شهرهای گیلان و بازگشت آنها در فصول بهار و تابستان برای کاشت و برداشت محصولات کشاورزی، جمعیت لرد در این فصول به حدود ۵۰۰۰ نفر

زبان مخفی اصطلاحی است رایج در بین مردم ایران برای نامیدن زبان‌هایی که بیشتر برای حفظ اسرار ساخته شده‌اند. آرگو اصطلاحی فرانسوی است و نخستین واژه‌هایی که برای تعریف آن شناخته شده‌اند واژه‌های jargon به معنای لوتر یا زبان خاص و jobelin اند که هر دو به قرن نوزدهم میلادی مربوط می‌شوند (کالوه، ۱۳۸۸: ۹). بلوک‌باشی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای تاریخیچه، انواع، تعاریف و ویژگی‌های این گونه زبان‌ها را برشمرده و نوشته است که‌ترین سندی که از رواج و کاربرد زبان ساختگی و مخفی با اصطلاح لوترا (لوتر) در میان گروهی از مردم ایران خبر می‌دهد حدود ۱۵۰۰ سال پیش است. مؤلف آن نوشته است مردم شهر استرآباد «به دو زبان سخن گویند، یکی به لوترای استرآبادی و دیگر به پارسی گرگانی» (بی‌نا، ۱۳۴۰: ۱۴۴). یارشاطر لوترای استرآبادی را زبان یهودیان استرآباد دانسته (۱۹۷۷: ۱) و کیا پارسی گرگانی را به‌احتمال همان گویشی دانسته است که فضل‌الله استرآبادی، بنیان‌گذار فرقه حروفی و برخی از پیروان او در سده‌های هشتم و نهم در نوشته‌های خود به کار برده‌اند (بلوک‌باشی، ۱۳۷۹: ۱۱۲-۱۱۳). قدیم‌ترین تعریف از لوترا از میرجمال‌الدین حسینی انجوی شیرازی در فرهنگ جهانگیری در ۱۰۱۷ قمری است. طبق این تعریف، لوتر زبانی است که «دو کس در میان هم قرار دهند که چون با هم سخن گویند دیگران آن را نفهمند» (همان). کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (فت. ۶۳۵ هـ.ق) رواج لوتر و مخفی بودن آن را در میان مردم زمان خود در این بیت آشکارا بیان کرده است: هرچه با خویش و آشنا گویی / همه مرموز و لوترا گویی (همان: ۱۱۰).

یارشاطر (۱۹۷۹: ۲) احتمال داده است که اصطلاح لوتر و لوترا از جامعه قدیم یهودیان به جامعه فارسی‌زبانان رسیده باشد. او با عنایت به نظر لوترایی‌گویان یهودی، این توجیه را که lo-torah یعنی non-toraic (غیر توراتی یا غیر عبری‌زبان)، توجیهی معقول و پسندیده دانسته است. اصطلاح زبان مخفی بر ساخته سمایی در فرهنگ لغات زبان مخفی است (۱۳۸۲: ۵-۶). به نوشته وی، نخستین مدارک به‌دست‌آمده از این گونه زبان‌ها مربوط به سارقان و راهزنان است. این جماعت که خلاف قانون رفتار می‌کرده‌اند، نیاز به وسیله‌ای برای ارتباط داشته‌اند تا اسرارشان را پپوشانند.

بلوک‌باشی از نظر کاربرد، چهار نوع لوتر را معرفی کرده‌است:

۱) لوتر گروه‌های قومی مثل کولیان و یهودیان؛ ۲) لوتر فرقه‌های قومی و مذهبی مانند درویشان؛ ۳) لوتر گروه‌های صنفی و حرفه‌ای مانند دزدان و راهزنان، گدایان، مطربان در تهران و آسیابانان در دزفول و شوشتر؛ ۴) لوترهای همگانی رایج در میان عامه مردم که معمولاً در لایه‌های میانه جامعه و توده مردم، به‌ویژه زنان، به کار می‌روند، مانند لوترهای زرگری، مرغی و گنجشکی (۱۳۷۹: ۱۱۳-۱۱۴).

می‌رسد. بسیاری از جوانان لرد در انجام دادن کارهای ساختمانی مهارت دارند و به همین علت، چند ماه از سال به عنوان پیمانکار در شرکت‌های مهم ساخت‌وساز در شهرهای مختلف از جمله رشت، تهران، بندرعباس و دیگر شهرهای جنوبی کشور مشغول به کارند و عده‌ای دیگر از راه کشاورزی، دامداری و زنبورداری امرار معاش می‌کنند.

زبان مخفی

یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی زبان، زبان‌های میانجی است. از زبان میانجی برای برقراری ارتباط بین سخنوران چند زبان استفاده می‌شود؛ یعنی، گویشوران دو یا چند زبان که هیچ‌کدام با زبان دیگری آشنایی ندارند از زبانی دیگر، مثلاً زبان رسمی، به عنوان زبان مشترک استفاده می‌کنند. زبان‌های میانجی اغلب در بین جوامعی کاربرد دارند که هر کدام زبانی خاص دارند؛ بنابراین، زبان‌های میانجی درست در محل تلاقی زبان‌های مختلف رشد می‌کنند و در محل تلاقی قبیله‌ها، اقوام و ملل ایجاد می‌شوند. برای شناسایی زبان‌های میانجی باید به جاهایی رفت که اقوام و ملل مختلف در آنجا گرد هم آمده‌اند، یا گروه‌هایی از یک قوم به محل اقوام دیگر رفته‌اند.

در کنار زبان‌های تمام‌عیار^۱، زبان‌هایی نیز جایگاه حاشیه‌ای دارند مانند زبان‌های میانجی، پیچین و کریول^۲. این زبان‌ها از زمان بسیار قدیم وجود داشته‌اند. هرگاه جامعه انسانی بوده است، در جنب زبان‌های اصلی و تمام‌عیار، زبان‌های حاشیه‌ای هم بوده‌اند (وارداف، ۱۳۹۳: ۱۰۲). به نوشته هایمز^۳ (۱۹۷۱: ۳)، پیش از دهه ۱۹۶۰ عمدتاً زبان‌شناسان پیچین‌ها و کریول‌ها را نادیده می‌گرفتند و در بهترین حالت، آنها را زبان‌های حاشیه‌ای قلمداد می‌کردند. حتی به برخی از زبان‌شناسان، از بیم آنکه این زبان‌ها مطالعاتشان را به مخاطره بیندازند، توصیه شده بود که از مطالعه آنها دوری گزینند (همان).

هرگاه دو یا چند گویشور یا گروه بخواهند برای اهداف صنفی، اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی در میان خود به گونه‌ای صحبت کنند که فقط هم‌مسلكانشان منظور و مفهوم حرف‌های آنها را بفهمند، از زبانی خاص استفاده می‌کنند. این نوع زبان‌ها به نام‌های مختلف از جمله آرگو^۴، لوتر، زبان مخفی یا رمزی معروف‌اند. تعاریف گوناگون (سمایی، ۱۳۸۲: ۵-۶) از زبان مخفی وجود دارد: الف) زبانی که فقط طبقه‌ای خاص به‌خصوص دزدان به آن تکلم می‌کنند و آن را می‌فهمند. ب) مجموعه واژه‌ها و عباراتی که گروهی خاص آن را به کار می‌برند و فهمش برای دیگران مشکل است. ج) واژه‌های خاص برخی گروه‌های اجتماعی و صاحبان حرف.

1. fully fledged
2. creole
3. Haymes
4. argot

نمونه‌های زبان مخفی

در سراسر جهان زبان‌های مخفی بسیار با نام‌های خاص وجود دارد، این نام‌ها را اغلب از شغل یا صفتی از گویندگان آن زبان وام می‌گیرند. در ادامه، نمونه‌هایی از زبان‌های مخفی یا رمزی ذکر شده است.

کالوه (۱۳۸۸) در *زبان مخفی چیست؟* برخی زبان‌های مخفی فرانسه را معرفی کرده است. تعدادی از آنها عبارت‌اند از: (۱) زبان عبارات متون مربوط به زندانیان قرن چهاردهم فرانسه؛ (۲) زبان صدفیون که پس از محاکمه‌شان در ۱۹۵۵ میلادی آشکار شد؛ (۳) واژه‌هایی دربارهٔ کارتوش (۱۶۹۳-۱۷۲۱؛ رهبر دارودسته‌ای مشهور که سرانجام در ژنو کشته شد)، نوشته‌شده در نمایشنامه‌ای از لوگران به نام «کارتوش و دزدان». چهار سال بعد (۱۷۲۵) در شعری از گرانول هم واژه‌های متعدد زبان مخفی ذکر شد؛ (۴) زبان مخفی آتش‌افروزان، گروهی از دزدان منطقهٔ اورژر فرانسه که در طی محاکمهٔ آنها زبان‌شان آشکار شد؛ (۵) زبانی که فرانسوا ویدوک^۱ (۱۷۷۵-۱۸۵۷)، زندانی محکوم به اعمال شاقه که بعدها مأمور پلیس شد، در خاطرات خود معرفی کرده است؛ (۶) فرهنگ اصطلاحات اصلاح‌شدهٔ زبان مخفی که تا قرن نوزدهم مدام تجدید چاپ می‌شد و در چاپ ۱۶۲۸، ۲۱۶ واژه و در چاپ ۱۸۳۶، ۶۸۵ واژه در آن ثبت شده است. تعدادی از این واژه‌ها در زبان صدفیون هم آمده است (نک: کالوه، ۱۳۸۸: ۲۰-۳۲).

یوسف میخائیلویچ آرانسکی^۲ (۱۹۲۳-۱۹۷۷)، زبان گروه قوال تاجیکستان را معرفی کرده است. این زبان مربوط به قومی کوچک در شهر کولاب تاجیکستان است که در میان اهالی به qavol مشهورند. گویا در زمان بسیار دور، کولی‌هایی از افغانستان به آن محل کوچیده و در آنجا ساکن شده‌اند (آرانسکی، ۱۳۷۵: ۱۶۶-۱۶۷).

در ایران نیز، از قدیم زبان‌های مخفی یا رمزی مختلف وجود داشته است، مانند لوتر استرآبادی، زبان اجتماعات یهودی ایران، زبان زرگری که ظاهراً قدمت آن به دورهٔ صفوی (سدهٔ دهم هجری) می‌رسد و در فرهنگ جهانگیری، در شرح لوتر و لوترایی نوشته شده است: «آن را زبان زرگری نیز گویند»، لوتر یهودیان اصفهان و همدان، لوتر رامشگران و زرگران تهران و نیز لوترهای دیگر به نام‌های مُرغی، کُشکی و سینی رایج در میان برخی گروه‌های کوچک، لوترهای زرگری، مرغی و لامی در مشهد، زبان گوشت‌فروشان تهران، مسگران اصفهان، بناهای یزد، گداهای لرستان، درویش‌های قزوین (نک: دومانیان، ۱۳۸۶: ۵-۶)، زبان سیله‌بری/سیلیری در فیروزکوه (نک: ستوده، ۱۳۴۱)، سلیری در منطقهٔ نمارستان در آمل (نک: بشیرنژاد، ۱۳۹۰)، لوتر سَپ‌سپایی در

مناطق کوهستانی طالقان (نک: منوچهری و داودی، ۱۳۹۰: ۲۴)، لوتر ساسیان (نک: بلوک‌باشی، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۱۱۲؛ به نقل از ایوانف، ۱۹۲۲ و پتروشفسکی، ۱۳۵۴)، سلیری یا مسگری (و قلع‌گری) بین مسگرها و قلع‌گرهای شهرستان رامسر^۳.

فرایندهای ساخت و تولید زبان‌های مخفی

زبان‌های اصلی و تمام‌عیار دنیا را که در طول سال‌های متمادی شکل گرفته‌اند و یک زبان محسوب می‌شوند، برخلاف زبان‌های مخفی، شخص یا گروهی خاص ایجاد نکرده است. طبیعتاً سازندگان این زبان‌ها به طرز ساخت آنها دقت می‌کنند و می‌شود گفت استعداد انتخاب واژه‌های استعاری یا ذوق شاعرانهٔ خوبی دارند و در شناخت هجاها و تکواژهای زبان مهارت دارند.

رضایی باغبیدی (۲۰۰۳) در مقاله‌ای به طور مفصل از ویژگی‌های زبان زرگری سخن گفته است. بلوک‌باشی (۱۳۷۹) دربارهٔ طرز ساخت زبان‌های مخفی یا رمزی چند نکته را به طور کلی ذکر کرده و کالوه نیز به نکاتی دربارهٔ فرایند ساخت زبان‌های مخفی فرانسه اشاره کرده است.

زرگری را با آوردن حرف «ز» بین هر هجا، زبان گنجشکی را با آوردن دو حرف «ش» و «ج» و زبان مرغی را با افزودن دو حرف «ر» و «غ» پس از هر هجا می‌سازند. در دو لوتر گنجشکی و مرغی معمولاً دو حرف باهم می‌آیند. حرف نخست ساکن است و حرف دوم حرکت هجای ماقبل خود را می‌گیرد؛ برای مثال (بلوک‌باشی، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۴):

کالوه (۱۳۸۸) در فرایندهای واژه‌سازی زبان‌های مخفی فرانسه، چهار اصل را تا حدی عمومی دانسته است:

(۱) استعاره؛ یعنی، هر کاری که با معنا بازی کند (که اغلب به نحوی مضحک این کار صورت می‌گیرد). افراد بی‌خانمان خیابان‌گرد به طور حتم همگی لنگ نیستند، اما برداشت جامعه ممکن است این باشد که آنان لنگ‌اند. گاهی هم از تصویری که به این طریق خلق شده است بار دیگر استفاده می‌شود و موجب پیدایش ساخت‌های معنایی می‌گردد. (۲) تلخیص یا اصل صرفه‌جویی. این روش مختص زبان عامیانه است (با این روش واژه‌ها کوتاه‌تر می‌شوند). از آنجا که این کار بیشتر اوقات صورت‌های قشنگی ایجاد نمی‌کند، پسوندی به واژهٔ به‌دست‌آمده اضافه می‌شود.

(۳) وندافزایی. پسوندها خاص زبان مخفی‌اند، به‌خصوص پسوند /o/ که به زبان عوام و زبان مخفی طینی خاص و نوعی رنگ‌مایه می‌دهد.

(۴) واژگان زایای باقاعده؛ یعنی، واژگانی در زبان مخفی که واژه‌ها را با

۳. بنا به اظهارات آقای میثم نواییان، در رامسر، عدهٔ بسیار کمی هنوز این زبان را

می‌دانند و این زبان رو به نابودی است.

1. François Vidocq

2. Iosef Mikhailovich Oranski

قواعدی خاص تبدیل می‌کند (کالوه، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷).

اتاś → âzatazaś	آتش ← آژاتازś	زرگری
anbor → azan bozor	انبر ← آژن بُر	
ataś → âşja taşjaś	آتش ← آشجا تَشْجَش	زبان گنجشگی
anbor → aşjan boaşjor	انبر ← آشجن بُشْجُر	
ataś → ârya taryaś	آتش ← آرغاترغś	زبان مرغی
anbor → aryan boryon	انبر ← ارغن بُرغن	

پیشینه تحقیق

در منابع متأخر، بر اساس آگاهی‌های موجود در منابع قدیم، این زبان‌های مخفی تحلیل شده‌اند. کالوه (۱۳۸۸) بخشی از کتاب *زبان مخفی چیست* را به «تاریخ زبان مخفی در زبان فرانسه» اختصاص داده است. در ایران، اولین بار نویسنده نامعلوم *حدود العالم* (۱۳۴۰: ۳۹۵) از لوترای استرآبادی صحبت کرده است. ایوانف در دو تحقیق (۱۹۲۲ و ۱۹۲۷) لوتر کهن درویشان-کولیان را بررسی کرده و مجموعه دست‌نوشته‌هایی را با عنوان «ساسیان» (گدایان طفیلی) منتشر نموده است. یارشاطر (۱۹۷۷) از لوترای یهودیان ایران صحبت کرده است. ستوده (۱۳۴۱) دربارهٔ زبان سلیری در فیروزکوه تحقیق کرده و زمردیان (۱۳۴۸) در *زبان‌های ساختگی*، مباحثی دربارهٔ زبان‌های مخفی بیان کرده است. همایونی (۱۳۵۶) نیز دربارهٔ زرگری مقاله‌ای نوشته و کلباسی (۱۳۷۲) به ویژگی‌های دستوری و واژگانی زبان رومانو (زرگری، از خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی) پرداخته است. از نظر بلوک‌باشی (۱۳۷۹: ۱۲۲)، پیشینهٔ زبان زرگری به سدهٔ دهم هجری یعنی دورهٔ صفوی می‌رسد. رضایی باغبیدی (۲۰۰۳) ساختار زرگری را به عنوان زبانی در معرض خطر بررسی کرده است. سمایی (۱۳۸۲) *فرهنگ لغات زبان مخفی* را بر مبنای گفت‌وگو با دانش‌آموزان دختر و پسر تهرانی نوشته است. دومانیان (۱۳۸۶) لوتر سلیری را، به‌گونه‌ای در ادامهٔ کار صادق کیا (۱۳۴۰)، از نظر ساخت‌وازی و اشتقاقی بررسی کرده است. بشیرنژاد (۱۳۹۰) دربارهٔ زبان سلیری در منطقهٔ نمارستاق آمل مقاله نوشته است. عبدالرشیدی (۱۳۹۲) در *زبان‌های ساختگی*، به تاریخچه و ساختار این نوع زبان‌ها پرداخته است. حسینی معصوم (۱۳۹۳) در «تحلیل و توصیف گویش‌شناختی یک زبان رمزی خانوادگی خاص در مشهد» به شرح زبان مخفی یا رمزی خانوادهٔ بروند پرداخته‌است.

راجع به زبان مخفی قرقه‌دیلی در خلخال تاکنون هیچ تحقیقی صورت نگرفته‌است و در منابع زبان‌شناسی یا سایر منابع، حتی نامی از این زبان برده نشده است. داده‌های این تحقیق به روش میدانی از گویشوران تاتی‌زبان روستاهای کَرَنق و لَرِد به دست آمده‌است.

بحث واژگانی آرانجی و قرقه‌دیلی

آرانجی اسمی است از مصدر تاتی arāntan (کشیدن به طرف خود). مادهٔ

ماضی آن-arānt- و مادهٔ مضارعش-arānj- است. اَره‌کشی یا به زبان تاتی آرانجی تولید تخته از تنهٔ درختان با استفاده از اَره‌های دوفرهٔ بلند است. به این صورت که دو نفر روی تنهٔ درخت می‌نشینند و هر کدام یک طرف اَره را به سمت خود تا منتهی‌الیه می‌کشیدند و آن قدر ادامه می‌دادند تا چوب بریده شود. این کار که با وسایل و امکانات امروزی ساده است، در قدیم، هم طولانی بود و هم به قدرت بدنی بسیار و همکاران زیاد نیاز داشت.

قرقه‌دیلی واژه‌ای مرکب از «قرقه» به معنای کلاغ و «دیل» به معنای زبان است و در مجموع یعنی «زبان کلاغ». هر دو واژه از ترکی آذری مناطق آذری‌زبان خلخال وارد شده‌اند. با توجه به اینکه در اطراف مناطق تات‌نشین خلخال، زبان ترکی رواج دارد، عده‌ای از مردم تاتی‌زبان با ترکی نیز آشنایند. احتمال دارد آذری‌زبانان اطراف به زبان آرانجی، قرقه‌دیلی گفته باشند. احتمالاً آنان، وقتی متوجه این زبان نمی‌شدند، می‌گفتند به زبان کلاغ حرف می‌زنند.

در فرهنگ عامه و اساطیر ایران، کلاغ پرنده‌ای است چندوجهی، با صفات متعدد و گاه متضاد؛ از جمله در فرهنگ مکتوب با صفتهایی مانند خبرچینی، بدشگونی، سیاهی، بدخبری، زیرکی، مرده‌خواری، سماجت و دزدی و در اساطیر و فرهنگ عامه، با صفتهایی مثل خوش‌یمنی و پیام‌آوری وصف شده است (پارسانسب و معنوی، ۱۳۹۲: ۷۳). خصلت پیام‌آوری کلاغ در تاتی خلخال نیز منعکس شده است. در تاتی، به شخصی که خبر (به ویژه خبرهای بد) می‌آورد «کَلاچِه وی خَبر» -kalaj.ə vay- xabar (کلاغ بدخبر) می‌گویند (سبزی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۹۱). شاید یکی از علل نام‌گذاری این زبان به قرقه‌دیلی همین خصلت ارتباط کلاغ با خبر و پیام‌رسانی بوده باشد. مضاف بر این، در بین زبان‌های مخفی و رمزی ایران، گویا زبان‌های دیگری نیز وجود دارند که به نام پرندگان معروف‌اند مثل زبان گنجشکی و زبان مرغی (نک: بلوک‌باشی، ۱۳۷۹).

برخلاف امروز، مردم این منطقه در قدیم به داشتن شغل اَره‌کشی معروف بودند. حتی این شغل و دغدغه‌هایش در ترانه‌های محلی تاتی‌زبانان شاهرود نیز منعکس شده‌است. در ترانهٔ عامیانهٔ اَره‌کش، به نام شغل و مهاجر بودن این کارگران اشاره شده است:

اَمه اَره کشیمان	amaarra kaš.imân	ما اَره کشیم
دوشاو پالنه خشیمان	dušāv pōlā.na xaš.imân	با پلوی همراه با دوشاب خوشیم
پولمان آدا بشیمان	pul.əman âdâ bəš.imân	پول دادیم و رفتیم
چمه را دوره رایه	čama râ dur.a râ.yə	راهمان دور است
چمه ما چشمه رایه	čama mâ čašm.ə râ.yə	مادرمان چشم به راهمان است

علل ایجاد زبان قرقه‌دیلی

علت اصلی ساخت این زبان حفظ اسرار و آگاه نشدن دیگران از نیات گویندگانش بوده است. همه یا اغلب زبان‌های مخفی را کسانی ابداع کرده‌اند که همکار بوده و شغل یکسان داشته‌اند و برای رونق کسب‌وکار یا

برملاندن اسرار کاری، زبانی دست‌وپاشکسته اختراع می‌کرده و به آن زبان حرف می‌زده‌اند. می‌توان گفت زبان مخفی زبان صنفی است.

بخش شاهرود پشت کوه‌های ماسوله و اسالم قرار دارد. به سبب همین نزدیکی، از آغاز روابطی تنگاتنگ بین این دو منطقه بوده و یکی بودن یا شباهت زبان تاتی و تالشی این امر را تشدید کرده است. کوهستانی بودن منطقه خلخال موجب شده است مردم آن بیشتر به دامداری و کشاورزی بپردازند. در پاییز و زمستان که میوه باغ‌ها برداشت می‌شد و دام‌ها از علوفه‌های ذخیره‌شده استفاده می‌کردند و عده فرزندان بیشتر بود، پدران خانواده‌ها در دو فصل بیکاری به شهرهای شمالی مانند صومعه‌سرا، فومن، رشت، نکا، رودسر، لاهیجان، کوچصفهان و سنگر می‌رفتند و در آنجا، کارهای سخت از جمله بریدن درختان و تبدیل آنها به تخته را انجام می‌دادند.

به طور کلی سه فرضیه برای علت ایجاد زبان مخفی قرقه‌دیلی می‌توان تصور کرد:

۱) حفظ اطلاعات شغلی؛ مثلاً، آگاهی یافتن از اینکه در کجا کار خوب و زیاد هست و دستمزدها چقدر است.

۲) حفظ اسرار شخصی و خانوادگی. بسیاری از مردان یک روستا با هم به محلی می‌رفتند و در یک نقطه مشغول کار می‌شدند. شب را نیز در یکجا (اغلب نزد صاحب‌کار یا در یک خانه استیجاری) می‌گذراندند. چون سه زبان تاتی، گیلکی و تالشی هم‌خانواده‌اند و واژه‌های مشابه فراوان دارند، کارگران ناچار زبانی ساختند و واژه‌هایی را بین خود رمزگذاری کردند تا صاحب‌کار و دیگر کارگران متوجه آن نشوند.

۳) شوخی و تفریح. این کارگران، که در طول یک دوره پنج-شش ماهه دور از خانواده خود می‌ماندند، برای تفریح زبانی و خوش‌گذرانی و نیز آسان شدن کار سخت خود، به سراغ شوخی، به‌ویژه شوخی‌های جنسی، رفته‌اند. تقریباً یک‌چهارم واژه‌های زبان مخفی قرقه‌دیلی واژه‌های جنسی‌اند.

ساختار و ویژگی‌های قرقه‌دیلی

در این بخش، با نگاه به ویژگی‌هایی که کالوه از زبان مخفی ذکر کرده، ویژگی‌های زبان قرقه‌دیلی بررسی شده است:

۱) مخفی‌بودن. گویندگان زبان مخفی آن را به این سبب اختراع کرده‌اند که دیگران از گفت‌وگوی آنها سر درنیابند (کالوه: ۱۳۸۸). قرقه‌دیلی نیز ابداع شده است تا دیگران متوجه سخنان آنها نشوند.

۲) وجود واژه‌های خاص. در زبان مخفی واژه‌هایی هستند که فقط در آن زبان به کار می‌روند و در هیچ زبان دیگری آن واژه با آن معنا وجود ندارد. درست است که سازندگان و گویندگان زبان مخفی گاه واژه‌هایی را از زبان دیگر (به‌ویژه زبان مبنا) به کار می‌گیرند، اما این واژه‌ها هرگز در معنای نخستین و اولیه خود به کار نمی‌روند (همان). قرقه‌دیلی نیز

اغلب از زبان تاتی واژه قرض گرفته اما معنای آنها عوض شده است، مانند واژه‌های «کلاج» (کلاغ) در معنای نماز و «میش» (گوسفند) در معنای مطلق زن یا زن شوهردار.

۳) مستقل نبودن. زبان مخفی از نظر ساختار شبیه زبان مبنا و اصلی است؛ یعنی، از نظر آوایی، ساخت‌واژه و نحوی با زبان مبنا یکی است و فقط در بخش واژگان با آن تفاوت‌هایی دارد (همان). قرقه‌دیلی پیرو زبان تاتی است؛ یعنی، بدون استفاده از تاتی و ویژگی‌های بنیادینش قادر به برقراری ارتباط نیست. گویندگان این زبان‌ها یا صاحبان حرفه و شغل‌اند که نمی‌خواهند اسرار شغلشان فاش شود تا به سود بیشتر برسند؛ یا طردشدگان جامعه‌اند که در گوشه‌ای منزوی شده‌اند (همان: ۱۴). گویندگان قرقه‌دیلی نیز صاحبان حرفه نجاری یا تخته‌کشی و به زبان خودشان «ارنجی» بوده‌اند.

۴) کاربرد فراوان استعاره. اغلب استعاره‌های موجود در زبان مخفی از نوع استعاره مضحک‌اند (همان: ۱۶). در قرقه‌دیلی نیز، استعاره فراوان است؛ مثلاً، «سوک» (خروس) برای پسر؛ «پیشی‌شولی» (مدفوع گربه) برای تریاک؛ «کُم‌باجه‌کَلَه» (کله‌قارچی) برای روحانی و شخص عمامه‌دار؛ و «روشنه» (روشنی) برای آب به کار می‌رود.

۵) تلخیص و صرفه‌جویی. واژه‌های ایجادشده در زبان مخفی کوتاه‌اند (همان). در قرقه‌دیلی نیز از طرفی تعداد هجاها در واژه‌ها کم است و از طرف دیگر، واژه‌های مرکب اندک و اغلب دولختی‌اند. نمونه‌ها در ادامه ذکر شده‌اند.

۶) ورود برخی از واژه‌های زبان‌های مخفی به زبان اصلی بر اثر کثرت استعمال. مخفی بودن زبان مُدْرجی و پیوستاری است؛ یعنی، این زبان‌ها بعد از مدتی نقش رمزآمیز خود را از دست می‌دهند و جزء واژه‌های زبان می‌شوند (همان: ۵۷). در قرقه‌دیلی این ویژگی کمتر به چشم می‌خورد. البته واژه‌هایی مانند «راندن» (رانندگی کردن، راندن و جلو بردن چهارپا) که برای مجامعت به کار می‌رود، در تاتی هم رواج دارد و معلوم نیست خاستگاهش کدام‌یک از این دو زبان بوده است.

۷) تعدد واژه‌های مترادف. زبان‌های مخفی معمولاً برای نامیدن پول و عمل جنسی نیاز به واژه‌های زیاد ندارند، اما واژه‌های هم‌معنی بسیار دارند (همان: ۵۱). در تاتی و قرقه‌دیلی واژه‌هایی همچون «خورده» (طرف، یارو)، «ور» (خوب، مفید، خوش‌اخلاق)، «چوارپا» (چهارپا)، چندین معنا دارند و در هر بافت یک معنا به خود می‌گیرند (نک: نمودارهای شماره ۱ تا ۴).

۸) در زبان مخفی برای عشق و محبت و مفاهیمی از این قبیل معادل وجود ندارد، اما برای اعمال و اندام‌های جنسی واژه‌های بسیار وجود دارد (همان). در قرقه‌دیلی نیز همین‌طور است. در ادامه، این واژه‌ها ذکر شده‌اند.

۹) وجود واژه‌های بسیار برای مواد مخدر و افعال آن (همان: ۵۳). در قرقه‌دیلی برای اشاره به تریاک واژه‌های پیشی‌شولی «piši šuli»

دست داده‌اند یا در آغاز، گویشوران رعایت نمی‌کرده‌اند. گونه‌های لردی، کرینی و دیزی از بخش شاهرود و دو گونه کجلی و کرتقی از خورش‌رستم هنوز چنین تمایزی را حفظ کرده‌اند. تمایز جنس دستوری تاتی در مقوله‌های اسم، ضمیر و فعل به چشم می‌خورد. اسم مذکر تاتی در حالت فاعلی و غیر فاعلی نشانه‌ای ندارد و در حالت جمع، تمایز جنس وجود ندارد. اسم‌های مؤنث مفرد در حالت فاعلی، با پی‌بست بدون تکیه a- همراه‌اند (نک سبزعلی پور، ۱۳۹۲: ۷۲):

مونث:	čašm (چشم)	monga (ماه)	čua (چوب)
مذکر:	zamin (زمین)	vaš (علف)	sar (سر)

در تاتی، فعل مذکر نشانه‌ای ندارد؛ ولی در افعال زیر، در آخر صیغه مؤنث سوم شخص مفرد، وند جنس‌ساز a- می‌آید: لازم، متعدی و اسنادی در زمان‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، مضارع اخباری (فقط در فعل‌های اسنادی)، مضارع ملموس، مضارع استمراری و مضارع التزامی (همان: ۸۰). مثال:

کلاغ (مؤنث) رفت.	qajalabiši[y]-a.
مار (مذکر) آمد.	marr bama.

در قرقه‌دیلی نیز، تمایز جنس دستوری مؤنث و مذکر رعایت می‌شود. مثال:

این [اقا] ازدواج کرده است؟	əmə miš xur kar.d.a.ya.
----------------------------	-------------------------

چون نهاد جمله بالا مذکر است، انتظار می‌رود فعلش هم مذکر باشد، اما فعل مؤنث است. در اصل، فعل kardan (کردن) ماضی متعدی است و در آن، ساخت کُنایی یا ارگتیو رعایت شده‌است. در این ساخت، فعل از مفعول تبعیت می‌کند و چون مفعول جمله miš (گوسفند و در معنای مخفی یعنی زن) مؤنث است، فعل هم مؤنث است و پی‌بست a- گرفته است. در جمله زیر فعل مذکر است، چون raza (نان/غذا) مذکر است:

غذا یا نان خورده‌ای؟	raza.r lišt.a.
چشم طرف کور است.	xurda su zan na.var.a

در جمله بالا، su.zan (چشم) مؤنث است و فعلش هم مؤنث آمده است.

این دختر طرف است. این زن طرف است.	əm xurda ver.a. əm xurda miš.a.
زن برادر فلانی است.	fəlan.i bərar miš.a.

در این دو جمله هم فعل مؤنث است.

(۱۹) از نظر ساخت فعل، قرقه‌دیلی تابع زبان تاتی است. در مثال‌های بالا فعل‌های ماضی نقلی و مضارع برای نمونه ذکر شده‌اند و همان طور که

زیره کین «zira.kin»، سیابرا «siya bəra»، زوپه «zuppa» و سیایی «siya.y.i» وجود دارند.

(۱۰) دامنه بسیار اندک واژه‌ها. از زبان مخفی آتش‌افروزان منطقه اورژر فرانسه چهل واژه به دست آمده است یا از زبان مخفی دارودسته صدفیون هفتاد واژه به دست آمده است (نک: همان: ۲۲ و ۳۰). در قرقه‌دیلی مجموعه واژه‌ها کمتر از سیصد است.

(۱۱) ارتباط کمتر با نوشتار (همان: ۸۴). قرقه‌دیلی نیز فقط شکل گفتاری دارد و هیچ‌گاه شکل نوشتاری نداشته است.

(۱۲) ساخته نشدن واژه‌های تازه و استفاده از واژه‌های اصلی با تغییر معنا (همان: ۸۱). واژه‌های قرقه‌دیلی نیز که در جدول ذیل مقاله آمده‌اند، اغلب تاتی‌اند اما معنایشان تغییر یافته است.

(۱۳) انتقال نیافتن نسل به نسل. اغلب گویشوران زبان مخفی آن را در بین خود محفوظ نگه می‌دارند و به دیگران یاد نمی‌دهند. به همین سبب، با از بین رفتن آخرین گویشور، آن زبان نیز نابود می‌شود. گویشورانی که کالوه (۱۹-۳۸) معرفی کرده، همگی بر آن بودند که زبان مخفی آنها لو رفته است؛ یعنی، خودشان در انتقال آن دخیل نبوده‌اند. قرقه‌دیلی نیز دیگر از نسلی به نسل بعد منتقل نمی‌شود و رو به نابودی است و با مرگ آخرین گویشور، این زبان نیز خواهد مُرد.

علاوه بر موارد فوق، در ادامه، دیگر ویژگی‌های قرقه‌دیلی ذکر شده‌اند: (۱۴) از نظر ساخت واژه همانند تاتی رایج در همان منطقه است؛ مثلاً، طرز ساخت اسم، صفت، قید و فعل همانند تاتی است: tan.də.kar (لباس)، bi.lis (بخور)، ma.gomm (نگو)، əm.a xorda varra (این دختر، آدم خوبی است)، garm.a vili (چایی).

(۱۵) تعدادی از واژه‌ها ابداعی و تازه‌اند، مانند muqāmi (گوشت)، galaji (حرف، سخن) و kasg (قند)؛ تعدادی در معنای دیگر استخدام شده‌اند، مانند sibi dāna (دانه سفید، برنج) و yuza liv (برگ گردو، پول)؛ تعدادی نیز در معنای اصلی خود به کار رفته‌اند. این دسته اخیر اغلب وندهای دستوری، حروف و افعال‌اند؛ مثلاً، تک «ək» حرف اضافه به معنای «در، درون»، b.avar.ənd (وند امر -bə- در «بیاورند»)، xorit ā.ba.m (برویم).

(۱۶) همه واژه‌های این زبان تاتی نیستند؛ برخی از ترکی قرص گرفته شده‌اند، مانند al.da gaz.an (دردست چرخنده، پول)، ali.qara (سیاهی یا چرک دست= پول).

(۱۷) وندهای زبان قرقه‌دیلی همان وندهای رایج در زبان تاتی‌اند، مانند: avras.a dəla kin (آنکه در کوه اورس است، منظور خرس و خوک و دیگر وحوش). avras.a dəla.-kin اسم خاص کوه نشانه صفت‌ساز درون وند تصریفی بیان مالکیت.

(۱۸) در تاتی منطقه خلخال (هم شاهرود و هم خورش‌رستم)، برخی از گونه‌ها تمایز جنس دستوری را حفظ کرده و برخی نیز این تمایز را از

گفته شد، ساخت ارگتیو هم رعایت شده است. طرز ساخت فعل امر هم همان فعل امر تاتی است:

اول چای بیاور، بعد غذا بیاور.	paran. <u>da</u> garm.a vili bava, paš. <u>da</u> raza bava.
-------------------------------	---

۲۰) حروف اضافه در قرقه‌دیلی همان حروف اضافه تاتی‌اند، مانند حرف‌اضافه -da- (در، اندر) در جمله بالا.

۲۱) قرقه‌دیلی بیشتر از نظر واژه‌ها از زبان اصلی متمایز است.

از نظر نحوی، هیچ گونه تمایزی ندارد؛ یعنی، همان ویژگی‌های نحوی تاتی آن منطقه را داراست. نکته نحوی شایان ذکر این است که در قرقه‌دیلی تمایز جنس دستوری مؤنث و مذکر حفظ شده است؛ مثلاً، مفعول مؤنث دارای فعل مؤنث است و علت آن وجود یا باقی ماندن ساخت کنایی در این زبان است (نک: سبزی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۳-۱۱۲).

واژه‌ها و جملاتی از قرقه‌دیلی

در این بخش، در حوزه معنایی، الفاظ و واژه‌هایی ذکر شده‌اند که از نظر معنا به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط‌اند. در قرقه‌دیلی، چندین حوزه معنایی از همدیگر تمیز داده شده‌اند که در زیر فقط به ده حوزه اشاره شده است. از مترادف‌ها نیز (نک: نمودارهای شماره ۱ تا ۴) نه حوزه استخراج و در زیر معرفی شده است.

حوزه‌های معنایی

(۱) ابزار و وسایل	
pasina	تفنگ
tala	بخاری
taniya vašən	تفنگ
jikar	فرش و گستردنی
čurtəka	کبریت
xərxər	اره
digir	رختخواب
šamča	کبریت
kala	بخاری
nim fəri	بالش
(۲) اعضای بدن	
bārika tā	سیبل، مو
dud kaš	بینی
sall	شکم
suzan	چشم
kuj	دندان

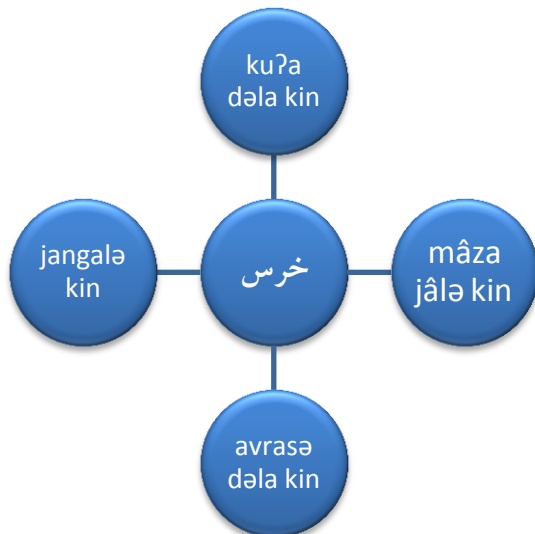
gərd	کفل، سُرین
gəla məj	پا
liva ris	دست
nāvara suzan	کور، لوچ
(۳) اعضای خانواده و جامعه	
pasina dār	نظامی، تفنگ به دست
pillā xodā	کدخدا
pillā kolā	شخص بزرگ، مهم
xər xər azan	اره کش
xorda	دوست، یاور
sibiya diyār	مادر
suk	شوهر
sukla vačča	پسر
suka	شوهر
suka vačča	پسر بچه
sugla	پسر، شوهر
karg	زن
kasik	فامیل، قوم
maya bəra	خواهر
miš	زن، زن شوهردار
mišāban	زن شدن
vəl	زن زینا
ham sibiya	خواهر و برادر
(۴) باغ و میوه	
biya ru	چوب، چوب‌دستی
bula	دارودرخت
suhura gəla	میوه
gərda gəla	گردو
vəlla gəla	میوه
tārəmə kin	انار، انجیر، انگور
(۵) اعمال جنسی و دشواژه‌ها	
anjil āban	مورد تجاوز واقع شدن
anjil ākardan	زنا کردن
pič dan	تجاوز به عنف
tarm	نرینگی
čubar	مادینگی
čubar kardan	تجاوز به عنف
čubar nivəsan	مجامعت
xun rəjašav	قاعدگی
rāndan	تجاوز
kad xodāyi kardan	توانایی مجامعت
varzāra yet šan	توانایی مجامعت

sibiya gəka	تخم مرغ
sibina	شیر و ماست
sir dāna	برنج
šaxdāra muqānni	گوشت گاو
kasəg	قند
gərda raza	نان فتیر
lištan	نوشیدن، خوردن
liva	پلو، غذا، خوردنی
muqānni	روغن، کره
(۹) ساختمان	
pilla yâgâ	جای بزرگ
barjjiya lâna	خانه خراب
xoltənak	زندان، حبس
garma kut	حمام
nâvara kut	دستشویی
tərka yâgâ	زندان
kut	خانه
nâvara yâgâ	جای بد، دستشویی، زندان
(۱۰) فعل و ترکیبات و کنایات	
bargənəsan	خوردن، اصابت
bul aâiyan	متوجه شدن
bul âban	متوجه شدن، لو رفتن حرف
bul âkardan	آشکار ساختن یا فهماندن حرف
Pazi âdan	بخاری را روشن کردن
xor âban	فرار کردن، رفتن
rəštan	خوردن
suzan zan	چشمک زدن
karg âba kardan	ترسیدن، زن شدن
kujân sibi âkardan	خندیدن
galəji gumbəssan	اسرار را فاش کردن یا حرف زدن
gola kardan	خندیدن
gul arakardan	کار زشت کردن
lâm âban	سکوت کردن
lâm biyan	خوابیدن
lâm kardan	گرفتن، تهیه کردن، آماده کردن
liva sur akardan	غذاپختن
liva rətan	پول خرج کردن
liva risa xandan	دست کسی را خواندن
nâvar kardan	جیب کسی را خالی کردن

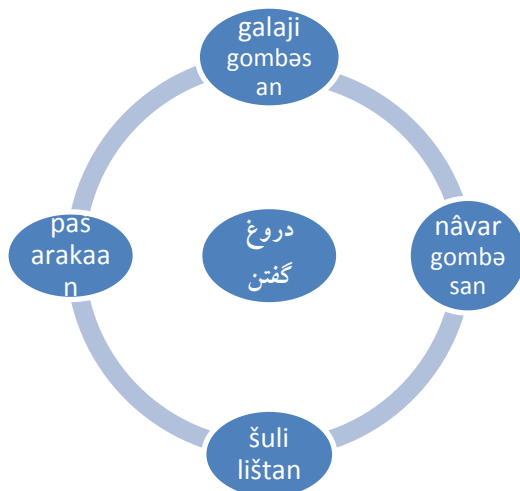
fəsk	نرینگ
anjil	زن هرزه، فاحشه
(۶) حیوانات	
avrasə dəlakin	خرس، جانوران وحشی
badim kin	خرس، خوک، حیوان وحشی
barji	سگ
pâməj	اسب، خر، امروزه ماشین
pilla duləng	کبوتر
jangalə kin	خرس
čuâr pâ	اسب، خر، قاطر، گاو ورزا
do ləng	مرغ
do lənga vačča	جوجه
razi	خر، اسب، مرکب، ماشین
raziya kərta	کره‌خر
šət ada	گاو ماده
kaʔu bəra	گرگ
kuʔa dəla kin	خرس
kuʔa do ləng	کبک
mâza jâla kin	خرس، حیوان وحشی
vəllačuâr pâ	گوساله
vəlla do ləng	جوجه
(۷) واژه‌های دینی	
pilla xasil	مکه
xodâ kut	خانه خدا، مسجد، مکه
dərâza rā	مکه
kalâj vatan	نمازخوان
kalâj	نماز
kalâj gumbəsan	نماز خواندن
kumâja kalla	ملا و روحانی
kuʔa pušti	سید، سادات
(۸) غذا و خوراک	
azəq	روغن، کره
sarda rušəna	آب سرد
čangəla xâss	لقمه نان فتیر با روغن زرد
dərâza raza	نان بربری
duləngə muqanni	گوشت مرغ
raza	نان
raza bargənəsan	نان خوردن
zarda raza	نان فتیر
sibiya	قند، شیر
sarduli	گوشت
sibiya dāna	برنج

حوزه مترادف‌ها

sarda rušəna	(۱) آب
sarda vili	
rošna	
pasxāni	(۲) چایی
garma vili	
pilča	
garma rušəna	(۳) مردن
parrəsān	
haʔow âban	
gull araban	(۴) پول
paš.araban	
al.da gazan	
kaʔu	(۵) سرکارگر
yuz.a liv	
varg	
sara mala	
pilla kolâ	



نمودار ۳. فهرست واژه‌های مترادف «خرس»



نمودار ۴. فهرست واژه‌های مترادف «دروغ گفتن»



نمودار ۱. فهرست واژه‌های مترادف «مجامعت»



نمودار ۲. فهرست واژه‌های مترادف «تریاک»

گفت‌وگویی به زبان قرقه‌دیلی لردی

aziri i xasili xurr abem. ən juri vazəš var ne.be. hičiš nə.dašt.ey.	دیروز جایی رفتم. این‌طوری وضعیت خوب نبود. هیچی نداشت.
ča vaz var nəbe. čə bə.lis.ə.	وضعیت خوب نبوده دیگه. چی بخورد؟
hičiš xurr nə.dašt.ey. na liva.š dašt.ey na miva.š dašt.ey na sirdana.š dašt.ey.	هیچ‌چیز خوبی نداشت، نه چیز خوردنی داشت. نه میوه داشت. نه برنج داشت.
az i yaga xurr abem, hamma či xur.əš dašt.ey, hama či.š xur dašt.ey. hamma man bə.lište. xurrabe.man.	من یک محلی رفتم، همه چیز داشت، همه چیز داشت. همه را خوردیم. آمدیم.
i nafari bə kaʔu raamiya be.	یک نفری برای پول (برای تسویه حساب) آمده بود.
kaʔu raʔxurəš bəkaʔ	برای پول؟ پول داد؟

na vajə xur nədarəm.	نه می‌گوید [می‌گفت] پول ندارم.
na xurrəš dašta, xurəš karda ni da.	نه پول نداشت، پول نداده دیگر.
a əştan xur darə, xurəš karda ni da.	او خودش پول دارد، حتماً پول نداده دیگر.
vajə xur nədaram.	می‌گوید پول ندارم.
ta tə man kaʔu xurr nəkardari, aqallan čiyi adaaz bəlişsəm.	تا تو به من پول نمی‌دهی، اقلان یک چیزی بده بخوریم.
basi ga i ka sirdanāday avə. čī bisey?	باید کمی به او برنج می‌دادی. چه می‌شد؟

بحث و نتیجه‌گیری

اهل مشاغل خاص زبان‌های مخفی را به قصد پنهان ساختن سخنان خود از دیگران یا به قصد تفریح و نیت دیگر به وجود آورده‌اند. این نوع زبان‌ها در هر قوم و کشور وجود دارند و در ایران نیز از گذشته وجود داشته است. قرقه‌دیلی یکی از زبان‌های مخفی ایرانی است که پیش از این، راجع به آن پژوهشی صورت نگرفته است. پژوهش دربارهٔ این گونه زبان‌ها آنها را از خطر نابودی نجات می‌دهد و از نظر اجتماعی، ما را با نحوهٔ شکل‌گیری آنها آشنا می‌کند. این پژوهش نشان داد که این زبان از تاتی تغذیه می‌کند و اغلب، همان تاتی است ولی در بخش واژگان، با تاتی تفاوت‌هایی دارد. ساخت‌واژهٔ قرقه‌دیلی همان ساخت‌واژهٔ تاتی است. تعدادی از واژه‌های این زبان از ترکی قرض گرفته شده‌اند. این زبان رو به نابودی است و فقط مردان بالاتر از ۴۵ سال که پیش‌تر برای اهرکشی به گیلان یا مازندران می‌رفتند، از آن استفاده می‌کرده‌اند. زنان و جوانان این زبان را به کار نمی‌برند و این زبان، در حال حاضر، در دو روستای لرد و کرنق، گویشورانی دارد و در بقیهٔ روستاها، یا رایج نبوده یا از بین رفته است.

علت کثرت الفاظ جنسی و دشواژه‌ها احتمالاً تک‌جنسیتی بودن کارگران و نیز دوری آنها از خانواده‌شان بوده است. سختی و مدت طولانی کار در کنار دوری آنها از زادگاهشان بهانه‌ای بوده است برای شوخی‌های رایج در محیط‌های تک‌جنسیتی. رواج واژه‌هایی که برای اشاره به مواد مخدر به کار می‌رفتند احتمالاً خود نشان‌دهندهٔ این هستند که این مواد در بین کارگران یا در اطراف آنها رایج بوده‌اند.

با توجه به اینکه قرقه‌دیلی فقط در محیط کار کارگران دور از خانه استفاده می‌شده و در سایر مواقع کاربرد نداشته است، شاید این شائبه ایجاد شود که زبان پیچین است، اما چنین نیست. به نوشتهٔ وارداف^۱ (۱۳۹۳: ۱۰۸): «پیچین زبانی است که گویشور بومی ندارد.

زبان نخست کسی نیست، بلکه زبانی ارتباطی است؛ به سخن دیگر، پیچین حاصل موقعیتی چندزبانه است». پس فلسفهٔ استفاده از پیچین برقراری ارتباط در محیط‌های چندزبانه است که اغلب تجاری و شغلی‌اند. قرقه‌دیلی پیچین نیست، زیرا برای ارتباط با دیگران در محیط کاری خلق نشده‌است، بلکه برعکس، برای جلوگیری از ارتباط دیگران ساخته شده‌است. گویشوران قرقه‌دیلی با کارگران نجاری، بالادستی‌ها و صاحبان کار به راحتی ارتباط برقرار می‌کردند. زبان ارتباطی خودشان نیز تاتی بوده است و فقط برای جلوگیری از ارتباط دیگران و حفظ اسرار شغلی این زبان را اختراع کرده‌اند.

ارتباط شغل با زبان از مقوله‌هایی است که در ایران کمتر به آن پرداخته شده است. در مناطقی از کشور که محل تلاقی زبان‌های مختلف‌اند، به‌ویژه در سواحل دریای خزر و خلیج فارس، ردپایی از زبان‌های میانجی و مخفی پیدا می‌شود.

منابع

- آرانسکی، یوسف میخائیلوویچ (۱۳۷۵). اطلاعات تازه‌ای از زبان‌های رمزی (آرگو) در آسیای میانه / گروه قومی قوال، در کولاب و آرگوی آن. ترجمهٔ محسن شجاعی. فرهنگ، ۱۷، ۱۶۵-۲۰۰.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۰). سله‌یری. فصل فرهنگ، ۳، ۱۵۲-۱۶۷.
- بلوک‌باشی، علی. (۱۳۷۹). زبان‌های رمزی در ایران. *یادنامهٔ دکتر احمد تفضلی*. به کوشش علی‌اشرف صادقی، (صص ۱۰۹-۱۲۷). تهران: سخن.
- بی‌نا (۱۳۴۰). *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانهٔ طهوری.
- پارسانسب، محمد و مهسا معنوی (۱۳۹۲). تطور بن‌مایهٔ کلاغ از اسطوره تا فرهنگ عامه. فرهنگ و ادبیات عامه، دورهٔ اول، ش ۱، ۷۱-۹۲.
- پطروشفسکی، الیا پاولویچ (۱۳۵۴). *اسلام در ایران*. ترجمهٔ کریم کشاورز. تهران: نشر پیام.
- حسینی معصوم، سید محمد (۱۳۹۳). تحلیل و توصیف گویش‌شناختی یک زبان رمزی خانوادگی خاص در مشهد. فرهنگ و ادبیات عامه، ش ۳، ۲۵-۴۸.
- دومانیان، واهه (۱۳۸۶). *لوتر سلیری*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- زمردیان، رضا (۱۳۴۸). زبان‌های ساختگی. *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۲۰، ۵۴۹-۵۵۶.
- سبزعلی‌پور، جهاندوست (۱۳۹۱). فرهنگ تاتی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- سبزعلی‌پور، جهاندوست (۱۳۹۲). تمایز جنس مؤنث و مذکر در گویش تاتی خلخال. *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، دورهٔ جدید، ش ۲، ۶۵-۹۰.
- سبزعلی‌پور، جهاندوست (۱۳۹۴). *گنجینهٔ گویش‌های ایرانی (تاتی خلخال)*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ستوده، منوچهر (۱۳۴۱). *لهجهٔ سب سلیری*. فرهنگ ایران زمین، سال ۱۰، ۴۷۱-۴۷۷.
- سمایی، مهدی (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات مخفی با مقدمه‌ای دربارهٔ جامعه‌شناسی زبان*. تهران: نشر مرکز.

- Haymes, D. H. (1972). *Pidginization and Creolization of Languages*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ivanow, w. (1922). An Old Gypsies-Darwish Jargon. J.A.S.B. NS., XVIII, 375-383
- Ivanow, w. (1927). Jargon of Persian Mendicant Darwishes. J.A.S.B.NS., XXVIII, 243-245.
- Rezai Baghbidi, Hassan. (2003). The Zargari Language: An Endangered European Romani in Iran. *Romani studies*, 13(2), 123-148.
- Yarshater, Ehsan. (1977). The Hybrid Language of the Jewish Communities of Persia. *Journal of American Oriental Society*, 97(1), 1-7.

- عبدالرشیدی، علی اکبر (۱۳۹۲): *زبان‌های ساختگی*. تهران: مسافر.
- کالوه، ژان لوئی. (۱۳۸۸). *زبان مخفی چیست؟ ترجمه شهرز پزشکی*. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۲). بررسی ساختوازی در زبان رومانو (زرگری). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۵، ۳۷-۵۸.
- کیا، صادق (۱۳۴۰). *راهنمای گردآوری گویش‌ها*. تهران: فرهنگ عامه.
- منوچهری، محمدعلی و محمد داودی (۱۳۹۰). *زبان تاتی و گویش طالقانی آن*. تهران: نشر رسانش.
- همایونی، صادق (۱۳۵۶). زبان زرگری. در: *یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه*، (صص ۴۱-۴۶). شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
- وارداف، رونالد (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه رضا امینی. تهران: بوی کاغذ.